

همه چیز متوسط در نیمه جشنواره

جشنواره فیلم فجر به نیمه رسیده است، ولی هنوز فیلم‌های قابل‌انتظاری در راندن تا مشغوفمان کنند. تا اینجا ی راه همه چیز متوسط (از اجرا تا فیلم‌ها) جلو آمده است. این وضعیت شامل چند کار مطرح بوده یا دو فیلم «پچه‌زنگ» و «سرهنگ‌تپا» که کمی بالاتر از متوسط ایستاده‌اند. نظر کوتاه درباره چند فیلم دیگر را بخوانید:



محمدتقی فیهیم منتقد سینما

توفیلمسازمی‌شی؛عطرآلود (ارزشگذاری: ۳.۵)

هادی مقدم دوست در فیلم «عطرآلود» با توجه به برخی جزئیات نسبت به کار اولش، یعنی «سر به مهر» جلو کشیده است. در جایی از فیلم گفته می‌شود که «تو نه عطرسازی و نه عطرساز میشی» ولی مقدم دوست با این فیلم نشان داد که فیلم‌ساز می‌شود، یعنی هنوز یک فیلم‌دیگر جا دارد تا تکلیفش روشن شود که ماندگار این زمین خواهد شد یا بهتر است همچنان به نوشتن و آموزش بپردازد. در سینمای بی‌شغل ایران که کمتر فیلم‌سازی به سمت قصه‌پردازی پیرامون شغل و صنعت می‌رود، عطرآلود بر ستر صنعت عطر طراحی شده است و با این‌که کالایی مصرفی است با این حال ارزشمند است اما کار فیلم‌ساز وقتی سخت شده که بنا بر نمایشی کردن بوی عطر در سینما کرده است. از همین جا فیلم به جای پیشش، در گردش روی انواع شیشه و وسایل عطرسازی می‌چرخد، برای همین توجه به اجزای مولودرام خانواده محور تبدیل به پروسه‌ای در عرض و خسته‌کننده می‌شود، مثلاً تک‌کار صحبت‌های پدر و مادر باقرزند در رحم، تکرار کوله‌کنشی علی (مصطفی‌زمانی) و... راهکار تاثیر حسی می‌شود. غافل از این‌که سرطان هم به داد نجات فیلم نمی‌آید که سردرگمی را بیشتر می‌کند، مثل کم آوردن در قصه‌گویی واقعی که می‌بینیم فیلم‌ساز به تصویرسازی گرافیکی متوسل می‌شود تا کار ابعاد فانتزی هم به خود بگیرد اما در مجموع فیلم می‌تواند طرفداران سینمای شریف با پندهای اخلاقی رازحی کند مشروط بر این‌که حداقل یک ربع کم شود تا حداقل فیلم از کندی نجات پیدا کند.

ایراندوه؛ چرا گریه نمی‌کنی (ارزشگذاری: ۳.۵)

همواره گفته و ثابت شده است که هنری بر دل می‌نشیند که از زیست خالقش بروز کرده باشد یا به اصطلاح خودمان هرچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. فیلم «چرا گریه نمی‌کنی» از جمله حاضران در جشنواره امسال است که واجد اطلاق بالاست. علیرضا معتمدی، پس از فیلم «رضا» با رهم سراغ چیزهایی رفته است که خوب می‌شناسد، یعنی دغدغه‌ها و مسائل و کلاسیک زندگی لایه‌های متوسط جامعه را در قالبی طنزآهانه بازنمایی کرده است. او خودش نقش «علی شهناز» که اصلی‌ترین در تیم بازیگری پرسلبریتی است را بر عهده دارد و دقیقاً بازی‌اش اصلی‌ترین فاکتور سرگرم‌کنندگی فیلم است. این بدان معنا نیست که معتمدی بازیگر خوبی است ولی در اینجا چون شخصیت رامی شناخته‌لذا به اصل جنس مورد نظرش نزدیک شده است، سلبریتی‌های فیلم کم حضور هستند در حدی که متاعلی مصفا فقط در یک سکانس کوتاه دیده می‌شود یا حتی مانی حقیقی، هانیه توسلی، باران کوثری و ... نیز کمی بیشتر در اطراف علی می‌چرخند. استفاده معتمدی از فیلم‌های مهم تاریخ سینمای ایران مانند مهرجویی، کیارستمی و ... و هنرمندان برجسته پست مدرن (فیلم هم مدعی این نوع روایت است) هم دو کارکرد لازم در فیلم دارند، اگرچه او از کار جذابیت فیلم‌های مورد نظرش می‌خورد ولی در راستای بازتولید لایه متوسط مدعی فهم هنری، به‌خوبی در فیلم جاگذاری شده‌اند. با تمام توصیفات آمده و عرفان بازی‌ها و کویرگردی‌ها و ... فیلم در قد و قواره سینما نیست.

پچه زرنکش خوبه؛ انیمیشن پچه‌زرنگ (ارزشگذاری: ۳.۵)

استدلال غلطی دامن جشنواره را گرفته است که به‌ل، انیمیشن باید با انیمیشن رقابت کند، از همین‌رو تنها فیلم انیمیشنی جشنواره در میدان جدی ارزیابی نمی‌شود اما چه باک «پچه‌زرنگ» نه تنها تا اینجا بهترین فیلم جشنواره بوده است بلکه بهترین فیلم بلند تاریخ انیمیشن سازی ایران هم شناخته می‌شود. پچه‌زرنگ به درستی براساس مخاطب هدفش طراحی و ساخت و پرداخت شده است. انیمیشن اگر با کودک و نوجوان ارتباط بگیرد یعنی همه گروه‌های سنی را راضی خواهد کرد و تیم سازندگان فیلم از پس این فرآیند بسیار دقیق و علمی در حوزه مخاطب شناسی برآمده‌اند. آنچه فیلم را به حد و اندازه خوب ارتقایی دهد، در تمام اجزای اثر قابل دریافت است از داستان‌گویی تا جلوه‌های بصری و کانسپت کاراکترها و دوبله و ... حتی ریتم کار را آن‌قدر بالا برداند که تبدیل به وضعی شده تا مانع شود که پچه‌زرنگ به درجه عالی دست یابد. بدین معنی که به جای افزودن فریم‌ها، پلان‌ها را اضافه کرده‌اند، بنابراین به جای این‌که کاراکترها مثل آدمیزاد حرکت کنند، پرتاب می‌شوند و در قاب به هر سو کشیده می‌شوند. ضعف دیگر کارا اجازه ندادن به مخاطب تا قصه و ماجرا‌ها را فهم و هضم کند چون سلسله‌وار تصاویر حرکت می‌کنند. دوبله‌ها در مجموع خوبند اما هومن حاج عبداللهی نتوانسته برای «پیری» کاراکتر مستقلی خلق کند و همان تیپ سریال پاینخت را به اینجا منتقل کرده است.

سعید سعدی از جمله تهیه‌کنندگان خوشنام، متعدد و حرفه‌ای سینما در یک دهه اخیر است که حضور و نامش باعث

تولید آثار مهم و ارزشمندی در سینمای ایران نظیر، «مغزهای کوچک زنگ‌زده» شده است. تهیه‌کننده‌ای که به دور از جریان‌ات مرسوم در سینما، به فکر تولیدات باکیفیت، ارزشمند و ارزشی در همکاری با کارگردان‌های جوانی است که بعداً مثل هومن سیدی جزو بزرگان سینما شدند یا در تجربه همکاری با کارگردان‌های شاخص و باتجربه دست به تولید آثار مهمی زده است. سعدی در آخرین تجربه تهیه‌کنندگی‌اش در همکاری با کارگردان کار بلد و باتجربه‌ای مثل مهرداد خوشبخت در فیلم «گل‌های باوآرده» سراغ روایت و وانکاو ی بخش مهمی از تاریخ دوران دفاع مقدس در زمان حصر آبادان و تلاش‌های نهان و پنهان کارکنان صنعت نفت در جهت حفظ و انتقال منابع نفتی و دستگاه‌های وابسته به صنعت نفت، به جای امن رفته است. با سعدی درباره رویکرد هایش در تولید این فیلم و نقش‌های حمایتی ارگان دولتی سینما در تولید این نوع فیلم‌های راهبردی و شرایط برگزاری جشنواره فیلم فجر گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

🗣️🗣️🗣️

از روند شروع پروسه تولید فیلم گل‌های باوآرده بگویید؟

طرح فیلم‌نامه توسط مهرداد خوشبخت به بنیاد سینمایی فارابی ارائه شده بود و بعداً از موافقت با تولید فیلم تهیه‌کنندگی فیلم به من پیشنهاد شد و با توجه به مضمون فیلم‌نامه آن را پذیرفتم.

سابقه موفق خوشبخت در تولیدات این نوع آثار، مثل فیلم «آبادان یازده شصت» چقدر شما را ترغیب کرد که در تولید فیلم حضور داشته باشید؟

از سال‌های دورتر با مهرداد خوشبخت و سبک کاری‌اش آشنا بودم و تجربیات همکاری خوب و موافقی داشتیم، البته این با کار قبلی، خوشبخت فیلم «آبادان یازده شصت» بسیار متفاوت است.

هشت سال دوران دفاع مقدس مملو از اتفاقات و حوادث بسیار ناگفته‌ای است که به‌رغم گذشت سه دهه از پایانش همچنان ناگفته مانده و به دور از ارزیابی و قضاوت مردم قرار دارد. در فیلم گل‌های باوآرده براساس چه ضروبیاتی سراغ روایت بخشی از این ناگفته‌ها رفتید؟

با توجه به شرایط پیش آمده در کشورمان و لزوم آشنایی نسل جوان با ارزش‌های مغفول مانده در سال‌های دوران دفاع مقدس و فرهنگ

روایت سعید سعدی از تهیه یک فیلم استراتژیک

نسل جوان می‌تواند قهرمانش را

از «گل‌های باوآرده» انتخاب کند

پرونده ویژه

آن را به عنوان سندی مهم برای مردم در سایر نقاط دنیا باز نشر داد.

* با توجه به رشد بسیار زیاد هزینه تولید فیلم به خصوص فیلم‌هایی از جنس گل‌های باوآرده چگونه با چالش‌های تهیه و تولید فیلم روبه‌رو شدید؟

در هر صورت تولید فیلم‌های استراتژیک با توجه به نوع ساختارش هزینه بالا و زیادی دارد و شما مجبور هستید با توجه به گذر زمان خیلی از لوکیشن‌ها را برای نزدیک شدن به فضای معماری آن دوران بازسازی کند و یا بسازید و این هزینه‌های تولید را به شدت زیاد می‌کند. لذا این نوع آثار استراتژیک نیاز به حمایت جدی تمام نهاد‌ها، ارگان‌ها و سازمان‌ها دارند. برای بخش خصوصی با توجه به بضاعتش تامین هزینه تولید این نوع فیلم‌ها میسر نیست و اصلاً توجه اقتصادی ندارد، نکته مهم در این بحث وجود ممیزی‌های غیر لازم و غیر ضروری است که به عنوان یک چالش جدی در پیش روی ساخت فیلم قرار می‌گیرد. در این نوع آثار باید به سازندگان اعتماد داشت و دست‌شان را باز گذاشت تا با آسودگی خاطر در چارچوب‌هایی که همه از آن اطلاع داریم، کار کنند.

بخش مهمی از این نوع ممیزی‌ها و اعمال نظر‌ها در تولید این نوع فیلم‌ها مرتبط با ارگان‌ها و نهاد‌های نظامی است که باید از تولید فیلم حمایت کنند. آیا شما در حین تولید فیلم گل‌های باوآرده با آنها روبه‌رو بودید؟

به جهت شناخت و تعاملی که در این سال‌ها در حین همکاری با ارگان‌های نظامی به دست آورده‌ام با این چالش مواجه نشدیم و نوع و جنس ممیزی‌ها را می‌دانیم و برای آنها بسته به شرایط راهکار داریم.

آیا حمایتی که از سوی ارگان‌های نظامی برای تولید فیلم انتظار داشتید، محقق شد؟

حمایت‌هایی از سوی سپاه و ارتش انجام شد اما با توجه به فضای داستانی فیلم نیاز زیادی به ادوات و امکانات نظامی وجود نداشت و بیشتر به روابط انسانی و شخصیت‌پردازی آدم‌ها و تلاش‌شان پرداخته شد.

فیلم گل‌های باوآرده می‌تواند به عنوان یک سند تصویری برای آدم‌های چند دهه بعد که می‌خواهند در حوزه جنگ شناخت داشته باشند به عنوان یک سند معتبر عمل کند؟

همان‌طوری‌که اشاره شد فیلم‌نامه اثر از دل یک کار پژوهشی مبتنی بر واقعیات توسط نویسنده‌اش به مرحله تولید رسید. مهرداد

انقلاب این نیز احساس می‌شود که در عرصه فرهنگی و سینما فعالیت‌های جدی‌تری انجام بگیرد. باید در نظر داشته باشیم ما به عنوان اصحاب فرهنگ و هنر با گنجینه‌ای غنی و کمتر پرداخته شده‌ای از آن دوران مواجه هستیم و این دین و مسئولیت بر گردن ماست که نسل جوانی که با این وقایع و ارزش‌های گنگانه هستند را آشنا و همراه کنیم و چه مدیومی مهم‌تر و تاثیرگذارتر از سینما می‌تواند این کار راهبردی را به سر منزل مقصود برساند. الان جوانان ما نیاز به سرمشق و الگو برای تعیین مشی زندگی‌شان دارند و ما باید به آنها در جهت درست این وضعیت کمک کنیم. نشان دادن این ابزارها و شجاعت‌های آدم‌عادی درون جنگ، و وظیفه مهمی است و می‌تواند با الهام‌پذیری مسیر زندگی جوان‌ها را تغییر بدهد. تلاش ما در تولید این فیلم هم استفاده از سوز و محتوای نو و تازه در قالبی جدید بود.

آیا این اطمینان را دارید که دیدن فیلم گل‌های باوآرده می‌تواند برای نسل جوانی که فاصله ۳۰ ساله با آن دوران دارد و به‌کلی با شرایط و نوع روابط آن دوران بیگانه و ناشناخت است، اثرگذاری داشته باشد؟

با توجه به نگاهی که در این فیلم نسبت به موضوع و سوز و وجود دارد و زمان زیادی صرف تحقیق و پژوهش از سوی مهرداد خوشبخت، نویسنده و کارگردان اثر شد، مطمئن هستم که نسل جوان با فضای داستانی دراماتیک و درست و خویش که از شعارزدگی دوری می‌کند ارتباط عمیقی برقرار می‌کند. موضوع اصلی و مهم فیلم ایثار، مقاومت مردم، حماسه‌سازی مهندسان و کارکنان صنعت نفت حاضر در جنگ است. نسل جوان ما باید قهرمان و اسطوره‌هایش را از میان این آدم‌ها انتخاب کند.

این ایثار و فداکاری مردم که به آن اشاره دارید یکی از ارکان مهم پایداری نظام در این چهار دهه به‌رغم همه‌های دشمنان به شیوه‌های مختلف است؟

بله، این دو مقوله جزو ارکان کلیدی و محوری انقلاب اسلامی است که استوار بر خواسته و توجه مردم و پابندی و اعتقادات‌شان به نظام تلقی می‌شود. این میل به استقلال و پایداری به جز با ایثار و فداکاری مردم محقق نمی‌شود.

در شرایط فعلی و گسترش جنگ نرم دشمنان علیه ایران، سینما و فیلمسازی چقدر می‌تواند به عنوان یک راهبرد جدی به تبیین چهره واقعی ایران در دنیا کمک کند؟ به خصوص این‌که امسال جشنواره فیلم فجر بعد از مدت‌ها در بعد بین‌المللی و با حضور هنرمندان خارجی برگزار می‌شود؟

در فیلم ما مظلومیت و حقانیت مردم به شکل واضعی در برابر همه و تجاوز دشمن روایت می‌شود. ظلمی که با مقاومت مردم تبدیل به یک فرصت شد و شرایط را دگرگون کرد که می‌شود

خوشبخت در حین نگارش متن با خیلی از آدم‌های مرتبط با جنگ که در پالایشگاه در آن دوران زندگی می‌کردند مصاحبه کرد و خیلی از اتفاقات داستانی فیلم جنبه مستند و واقعی دارد و فکت‌های خوبی برای رجوع آدم‌های نسل بعد که می‌خواهند نگاه عمیق‌تری به آن دوران داشته باشند در اختیارشان قرار می‌دهد. نکته مهم دیگر زندگی نویسنده و کارگردان است که به همراه خانواده‌اش در آن دوران در آبادان زندگی می‌کرده و با شرایط آن دوران بیگانه نیست.

در حین تولید فیلم با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

هزینه‌های تولید بسیار افزایش پیدا کرده و تنظیم بودجه فیلم واقعاً کار دشواری است و ناگهان با افزایش قیمت در خیلی از بخش‌ها مواجه می‌شوید که در برنامه‌ریزی بودجه به آن فکر نشده است.

در بیشتر تولیدات از جنس گل‌های باوآرده تلاش می‌شود از بازیگران شناخته شده، استفاده شود تا توجه مخاطب را نسبت به فیلم جلب کنند. به چه دلیل شما چنین رویه‌ای را دنبال نکردید؟

تمرکز ما روی فیلم‌نامه و قصه خوب فیلم بود که می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. شما هر چقدر بازیگران مطرح را در فیلم مورد استفاده قرار بدهید اما قصه خوبی نداشته باشید، نمی‌توانید به توفیق برسید.

چه ارزیابی از برگزاری جشنواره فیلم فجر که ۴۰ سالگی را پشت سر گذاشته است، دارید؟

در هر صورت جشنواره فیلم فجر آینه تمام عیار یک سال فیلمسازی در سینمای ایران است و زحمات آنها در یک کیچ خوش قاب در ۱۰ روز در معرض دید همه مخاطبان قرار می‌گیرد.

چقدر به موفقیت فیلم در جشنواره خوشبین هستید؟

موقعی که تمام فیلم‌های بخش مسابقه را ندیده‌ام، نمی‌توانم در این باره اظهار نظر کاملی داشته باشم اما با توجه به شرایط تولید فیلم و زحماتی که برای تولید فیلم کشیده شده است، فیلم اثر خوب و موافقی خواهد بود.

